بررسی اطلاق روایت «صم للرویة»

- الف) تثبیت کلام وحید در عدم اعتبار رویت قبل از زوال با استناد به اطلاق روایت به ضمیمه استیعاب صوم در روز
- ب) حجیت صوم در رویت قبل از زوال با استناد به مرایع بودن احکام روز تا زوال

الف) تثبیت کلام وحید در عدم اعتبار رویت قبل از زوال با استناد به اطلاق روایت به ضمیمه استیعاب صوم در روز

شاگرد: در فرمایش شما اگر امام «غدا» را نفرموده بودند، اگر میخواستیم به اطلاق اخبار متواتره تمسک کنیم، برای رؤیت قبل از زوال و بعد از زوال چه کار میکردیم؟ فرض کنیم امام «غدا» را نفرموده بودند، مقتضای اطلاق روایت چه میشد؟ از حیث اینکه امروز بگیریم ای فردا بگیریم، به چه صورت میشد؟

استاد: اگر اطلاق محض را میگویید، قطع نظر از تمام قرائن خارجی، حتی اگر نیم ساعت به غروب مانده هلال را دیدید، در این نیم ساعت ممنوع است چیزی بخورید. اگر صرفاً اطلاق «اذا رأیت فصم و اذا رأیت فافطر» باشد.

شاگرد: اگر آن را ضیقتر کنید که صوم یعنی از طلوع فجر تا غروب،اقتضای اطلاق این چه بود؟

استاد: این حرف خوبی است، اگر همینطور ما تنها یک چیز خارجی را در نظر بگیریم و آن چیز خارجی فقط این است که صوم برای طلوع فجر تا غروب است، این را ضمیمه کنید و بعد بگویید روایات متواتره «اذا رایت ...»، اطلاقش چه چیزی را میگیرد؟ امروز را میگیرد یا نمیگیرد؟

عرض من این است که صرف اینکه بگوییم کل روز، یک روزه است... بله، اگر روز دیدید بخشی از روز رفته، دیگر اطلاق آن را نمیگیرد. چون میخواهد انشاء صوم کند؛ همانی که وحید فرمودند. چون میخواهد انشاء کند، شما میگویید ما میدانیم که کل روز صوم است، دیگر نمیتواند انشاء کند. اطلاقش میگوید برای فردا.

شاگرد۲: چیزی نخورده؟

استاد: نیت نداشته و بعض روز رفته است؛ اصلاً نخورده، اطلاقش میگوید روزه را بگیر. روزه هم یعنی کامل از طلوع فجر تا غروب، خب این میماند برای فردا.

ب) حجیت صوم در رویت قبل از زوال با استناد به مراعی بودن احکام روز تا زوال

اما نکته سر این است که کنار اینکه روزه، کل روز است، شواهد قطعیه ای قرین آن داریم که استقرار حکم تا زوال، راه دارد. یعنی تا زوال نشده هنوز احکام دیروز، به همین دیروزی که شما می‌گویید مراعی است. وقتی این را به آن ضمیمه کنید خوب می‌شود. می‌گوییم شارع می‌فرماید وقتی دیدی کل روز را روزه بگیر؛ «اذا رایت فصم کل الیوم»، و می‌دانیم او می‌گوید تا زوال نشده احکام این «کل» مراعی است.

خب اینجا می‌گوییم «فصم» یعنی حالا که قبل از زوال است حکمش مراعی است و همین روز را بگیرید. لذا با این بیان چون این دو را به هم ضمیمه ی لاینفک قرار می‌دهم می‌گویم اطلاقش مقتضای این است که اگر قبل از زوال است بگیر.

شاگرد: یعنی اگر بعد از زوال هم دیدیم همین است.

استاد: نه.

شاگرد: اجماعات را کاری نداریم.

استاد: قرار شد شبانه‌روز را در نظر بگیریم.

شاگرد: بله، حالا بعد از زوال باید افطار کند.

استاد: ببینید ما یک چیز را ضمیمه کردیم، و آن این است که صوم یعنی از طلوع فجر تا غروب. ولی خب اگر فقط همین باشد حرف وحید می‌شود. ایشان می‌گویند وقتی بخشی از آن رفت دیگر ما نداریم و لذا نمی‌توانند انشاء صوم کند. اما وقتی بدانیم همین که طلوع فجر تا غروب را گفتید، حکمش تا زوال و تا زمانیکه نصف نشده مراعی است، این دو را که به هم ضمیمه کنید - کاری به چیز دیگری نداریم - اینجا اطلاقش می‌گیرد. یعنی بواحتی اطلاقش می‌گوید در اینجا شما می‌توانید قبل از زوال نیت کنید.

شاگرد: حتی روایات «اذا رایت قبل الزوال» را هم نمی‌خواست.

استاد: بله، نکته خیلی خوبی بود. یعنی با ضمیمه این دو، اصلاً به روایات قبل از زوال، نیازی نداشتیم.

شاگرد۲: دو حرف است، یکی بحث دخول شهر است و یکی بحث صوم است. یعنی درست است که ظرف زمان روزه از صبح تا مغرب است، ولی اینکه انشائی که برای روز شده و دخول شهر رمضان شده، پس اگر قرینه‌ای نداشتیم این اطلاق می‌گوید در هر زمانی از روز که رؤیت کردی روزه بگیری، کاری ندارد به اینکه بخشی از روز رفته ای نه. چون دخول شهر شده و حکم صوم برای این است که شما داخل در شهر شدی ولو هر مقدار از روز هم شده باشد. ظرفش که از صبح تا مغرب است در بحث ما وارد نمی‌شود.

> 30:25

استاد: صحبت سر همین بود؛ اما ایشان یک ضمیمه‌ای را قرار دادند.

شاگرد: ایشان می‌گویند بدون ضمیمه، اطلاق را ببینیم.

استاد: در گام بعدی ضمیمه را قرار دادند. من نسبت به ضمیمه ایشان گفتم اگر محض همین باشد، حرف وحید می‌شود. اما اگر به امر قطعی دیگری آن را ضمیمه کنیم که مرائی بودن حکم تا زوال است... .

شاگرد۲: اگر آن قرینه را در نظر نگیریم که می‌خواهیم زوال را لحاظ کنیم که قبلش حکم مرائی است؛ ارتکاز ما از روایت این است که وقتی حضرت می‌فرمایند «اذا رایت الهلال فصم» یعنی اگر هیچی نخورده باشی و هلال را دیدی روزه بگیر. ولی اگر صبحانه خورده باشد و هلال را دیدی عرف نمی‌گویند روزه بگیر، چون امروز دیگر گذشته. فهم من از روایات این است که هر وقت دیدی، چه قبل از ظهر و چه بعد از ظهر، اگر تا حال امساک کرده‌اند نیت روزه واجب کند.

استاد: ولی نسبت به بعد از زوال می‌گویند اجماع داریم که چنین نیست. سید هم می‌گویند. می‌گویند «بالضرورة من الدین» که اگر دو ساعت به غروب هلال را دیدی و چیزی هم نخوردی، باز امروز روز اول ماه نیست و روزه اول ماه بر شما واجب است و این روز، روز اول نیست. سی ام شعبان است. وقتی بعد از زوال دیدی، اذا الیوم یوم الثلاثین من شعبان، نه یوم الاول. دیگر به چه وسیله‌ای می‌خواهی بگویی واجب است؟ و حال آنکه ایام شهر است. قطع نظر از بحث‌هایی که عرض کردم. روی آن چیزی که شما روی ارتکازتان می‌فرمایی.